



ریشه‌یابی دلایل اختلافات آمریکا با ایران دو قرن دشمنی



محمد فیروزی

روزنامه‌نگار



گزارش

با وجودی که قریب به ۴۰ سال است از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد اختلاف میان آمریکا و ایران هنوز رنگ و بوی تازه‌ای دارد. در این مدت بسیاری تلاش کرده‌اند میان این دو کشور نزدیکی برقرار سازند، اما این تلاش هیچ‌گاه به ثمر نرسیده است. گزارش‌های بین‌المللی و نگاه کارشناسان حاکی از این موضوع است که بیشترین دلیل اختلاف میان این دو کشور مسائل ایدئولوژیک است و تفکر استعماری و خوی استکباری دولتمردان آمریکایی عاملی است که اجازه نمی‌دهد دو کشور به همدیگر نزدیک شوند. این موضوع از قرن نوزدهم و با حضور سیاحان غربی در ایران شروع شد و امروز هم همان تفکر در لایه‌های کلام سیاستمداران آمریکایی مشهود است.

تفکر استعماری ترامپ

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا یکی از شخصیت‌های سیاسی این کشور است که دیدگاه واقعی‌اش با ذهنیت سردمداران آمریکایی و تفکر نهادینه‌شده در این کشور نسبت به ایران یکسان است. در طول سال‌هایی که از انقلاب اسلامی می‌گذرد خیلی‌ها بر این گمان بودند که شاید بتوان با آمریکا مذاکره کرد، اما نگاهی به تفکر ریشه‌گرفته در آمریکا نشان می‌دهد آنها با خوی استعماری‌شان و دیدگاهی که نسبت به ایران دارند تجلی چنین موضوعی امکان‌پذیر نیست.

استمرار نگرش امپریالیستی

درک ترامپ از کشوری چون ایران با نگرش رهبران امپریالیستی که سال‌ها بر آمریکا حکمرانی کرده‌اند تطبیق خاصی دارد. بر این اساس گفتگمانی که ترامپ و حلقه مشاورانش دارند، در صورتی که به نزدیکی به ایران منجر شود باعث خطرات زیادی است، چرا که آنها بر اساس ساختاری ایدئولوژیک مبتنی بر ایده‌های استعماری به ایران نگاه می‌کنند.

«ریاکار» و «غیرقابل اعتماد»

سایت «اوپن دموکراسی» به‌تازگی مقاله‌ای تحلیلی ارائه کرده است که در آن می‌نویسد: «تصویری که آمریکایی‌ها از ایرانیان نشان می‌دهند و ترامپ آنها را مطرح می‌کند نشان می‌دهد که غربی‌ها از ایرانیان تصویری استعماری و «غیرقابل اعتماد» معرفی می‌کنند نشان می‌دهد و هم تحت‌تأثیر باورهای استعماری قدیمی در کشورش است. این سایت در ادامه گزارش خود می‌نویسد به نظر می‌رسد چنین ذهنیتی هنوز هم در آمریکا در سطوح مختلف سیاست‌گذاری تأثیرگذار است و تصمیم‌گیری‌های عالی دولت ترامپ در خصوص ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

از بین بردن میراث

البته این گزارش می‌افزاید که ترامپ فردی غیرقابل پیش‌بینی است، اما انگیزه‌هایی او تحت‌تأثیر باورهای قدیمی است. ترامپ به دنبال این است که میراث دولت قبلی خود را در قبال ایران از بین ببرد چرا که باور دارد ایران خطرناک است. او در تلاش است برجام را از بین ببرد و در این مسیر هم لحن ناخوشایندی در پیش گرفته است، در حالی که حرف‌وسخن جدیدی را مطرح نمی‌کند. درک ترامپ از ایران هم‌راستا با درک رهبران استعمارگر غربی است که از ایران تصویر خاصی داشتند. در حالی که آنها هیچ توجهی به میزان شباهت تفکرات‌شان با واقعیت نداشتند و ترامپ هم دنباله‌رو همان افکار است و به واقعیت توجهی ندارد.

ریشه‌های گفت‌وگو مخرب ترامپ

به نظر می‌رسد در زمینه شکل‌گیری گفتگمان استعماری ترامپ پیرامون ایران برخی افراد نقش موثرتر داشته باشند. یکی از این شخصیت‌های هیلی، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد است. نقش این سیاستمدار آمریکایی بیشتر بر موضوع توافق هسته‌ای معطوف است. البته او درباره ایران زیاد صحبت می‌کند، در حالی که اشاره‌ای به توافق نمی‌کند.

اوبا ایجاد ذهنیتی که ایرانی‌ها متقلبدند، درصد است توافق برجام را به هم بزند. بر اساس همان گفتگمان استعماری آمریکایی، هیلی می‌گوید ایرانی‌ها تا سیستمی مخفی ایجاد کرده‌اند و رفتار تهران ماهیتی دوگانه‌ای دارد که یکی را به جهان نشان می‌دهد و دیگری را مخفی نگاه می‌دارد.

تأثیر پذیری از القاتل

ترامپ هم تحت‌تأثیر این القاتل و باورهای از پیش ساخته خود قرار دارد. بنابراین او در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود به طرح این موضوع پرداخت که ایران یک کشور دیکتاتوری است و سیاستمداران ایرانی تنها ماسک دروغینی از اجرای دموکراسی را به چهره زده‌اند.

کلیدواژه تقلب

در گزارش سایت «اوپن دموکراسی» به انطباق دیدگاه دیگر سیاستمداران آمریکایی با نگرش کهنه استعماری آمریکا پرداخته شده است. این گزارش می‌نویسد: «در مارس ۲۰۱۵ پس از آنکه توافق هسته‌ای ایران امضا شد نمایندگان آمریکا در مجلس‌های این کشور موضوع «تقلب» را مطرح کردند. برخی جمهوری‌خواهان از عبارت‌های کلیشه‌ای استفاده کردند و گفتند که ایرانی‌ها از خودشان چهره دوستانه‌ای به نمایش می‌گذارند، اما در لحظه آخر ضربه نهایی را به شما وارد می‌کنند.»

چت کردن با استعمارگران

گزارش اخیر تأکید می‌کند باورهای استعماری نسبت به ایران در خصوص‌ترین ابعاد زندگی سیاستمداران آمریکایی رسوخ کرده است. آنها اغلب در گفت‌وگوهای اینترنتی (چت) خود نیز چنین باورهایی را به یکدیگر منتقل می‌کنند و لایه‌های آنها توأم با چنین نگرش‌هایی است. در یک مورد از این گفت‌وگوها که سایت «اوپن دموکراسی» به اطلاعات آن دست یافته، آمده است که یکی از کاربران شبکه اجتماعی به فرد دیگری گفته بود: «ایرانی‌ها خودشان معتقدند که در ایران معمارها خانه‌های شیشه‌ای نمی‌سازند. آنها (ایرانی‌ها) تمایل ندارند در مورد هر موضوعی آشکارا صحبت کنند. رازداری در این کشور یک ارزش است و فردی که می‌تواند رازدار باشد نشان می‌دهد که به بلوغ فکری رسیده است. این موضوع‌ها در ایران نشانه حکمت پارسی است.»

سوۀتفاهم‌های قرن نوزدهمی

«اوپن دموکراسی» سپس به ریشه‌یابی چنین طرز تلقی‌ای از سردمداران غربی نسبت به ایران می‌پردازد و می‌نویسد که ریشه این «سوۀتفاهم‌ها» را باید در قرن نوزدهم در منطقه غرب آسیا جست‌وجو کرد. در آن زمان قدرت‌های استعماری اروپایی در اوج خود بودند و بسیاری از دیپلمات‌ها اروپایی اوایل قرن ۱۹ به ایران سفر و به تگارش سفرنامه اقدام می‌کردند. آنها هدف‌شان ارائه تصویری واقعی از ایران بود، بر همین اساس نیز ذهنیت سیاستمداران غرب را شکل داده‌اند. فصل مشترک بسیاری از این سفرنامه‌ها این است که می‌گوید ایرانیان مردمی بسیار مهربان، اما عمیقاً «ریاکار» هستند.

سفرنامه‌های بدبینانه

در یکی از این موارد جان مک‌دونالد کینز از گردشگران انگلیسی جمله‌ای کلیشه‌ای را در خصوص ایران به کار برده است که امروز هم از زبان سیاستمداران غرب و آمریکا شنیده می‌شود. او می‌گوید: «مردم ایران صرفاً یک ماسک برای پنهان کردن شرارت دارند. چهره واقعی ایرانیان پشت آن ماسک قرار گرفته است.» او وارد اسکاوت و وارپنگ، از افرادی که در آن زمان در کمپانی هند شرقی مشغول فعالیت بوده نیز در بیان خصوصیات مردم ایران آورده است: «ایرانی‌ها مردم گرمی هستند، اما نمی‌توان کمترین اعتمادی به سخنان آنها داشت.»

گفتگمان ایدئولوژیک ضد ایرانی

با نگاهی به بسیاری از سفرنامه‌های به‌جا مانده از سیاحان اروپایی قرن نوزدهم که از ایران بازدید کرده‌اند یا مدتی را از طرف کمپانی‌های استعماری در این منطقه حضور داشته‌اند و بررسی تحلیلی با گفته‌های سیاستمداران امروز کشوری چون آمریکا درمی‌یابیم که تفکرات استعماری در ذهن این افراد رسوخ کرده است. انگار بسیاری از این اظهارات

را امروز از دهان نیکو هیلی، جان بولتون و شخص ترامپ می‌شنویم. بر همین اساس هم سیاستمداران آمریکایی در حال سوق دادن جهان به جنگ با ایران هستند. در حالی که ذهنیت آنها با واقعیت موجود در ایران همخوانی ندارد. «اوپن دموکراسی» در بخش‌هایی گزارش خود تأیید می‌کند که گفتگمان ترامپ و حلقه مشاورانش به‌طور عمیقی دارای ساختاری ایدئولوژیک است و این موضوع از این نظر که این دیدگاه‌ها ماهیت استعماری دارند بسیار خطرناک است.

دیوسازی علیه ایران

روزنامه انگلیسی ایندپیندنت به‌تازگی در یک گزارش تحلیلی با قبول این مساله که آمریکایی‌ها سیاست دیوسازی علیه ایران را در پیش گرفته‌اند، نوشته است که دولت آمریکا باید این سیاست را کنار بگذارد. در این گزارش تأکید شده که تصمیم ترامپ مبنی بر اعلام قدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل اشتباه است و او باید به فکر بهبود روابط خود با ایران باشد.

سیاست محافظت از خود

جیمز وات، سفیر سابق انگلیس در لبنان در یادداشت خود در نشریه یادشده به ریشه‌یابی رفتارهای ایران در سیاست خارجی‌اش پرداخته است و می‌نویسد: «ایران توانسته نفوذ خود در منطقه را به‌ویژه در عراق و سوریه افزایش دهد، اما آنچه که این کشور انجام می‌دهد، سیاست‌های «محافظت از خود» است. معماری امنیتی ایران به‌دلیل فشارهایی است که در سال‌های اخیر متحمل شده و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تهدید اسرائیل سبب شده است که این کشور اقدام به محافظت از خود بکند و دولت آمریکا باید نسبت به ایران چنین مسائلی را در نظر بگیرد.»

جلوگیری از رشد دموکراسی

سایت لندن اکونومیک در تحلیلی می‌نویسد: «دوایت آیزنهاور، ژنرال اسبق آمریکا زمانی که در فاصله سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ رئیس‌جمهور آمریکا بود، در خاطرات خود را به رشته تحریر درآورد و در آنجا از ژنرال استراتژی آمریکان نوشت. بر این اساس هم مشخص شد که آمریکا قصد دارد در دموکراسی در حال رشد در ایران مداخله کند.»

آیزنهاور می‌نویسد: «پیشرفت ما در ایران سبب شد قدرت محمد رضا شاه در مقابل دولت محمد مصدق بازیابی شود. من پنهانی کار کردم، چرا که اگر آشکارا اقدام می‌کردیم، رسوا می‌شدیم.»

نگرانی از احیای تمدن باستانی

این گزارش نشریه لندن تأکید می‌کند که غرب نگران این بود با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بدون اتحاد با غرب، امپراتوری ایران به تمدن خود در هفت هزار سال قبل بازگردد و کشورهای دنیای غرب را تهدید کند.

این گزارش می‌افزاید: «ایران در منطقه غرب آسیا از موقعیت ممتازی برخوردار است و اگر ایران قادر شود تمدن باستانی خود را بدون وابستگی به غرب احیا کند، قادر خواهد بود کشورهای آفریقایی تحت سیطره خود را گسترش دهد. حال با توجه به این موضوع نفرت ایرانی‌ها از آمریکا قابل توجیه است، چرا که آنها مانع از گسترش تمدن ایرانی در جهان هستند.»

سیاست کنترل توده‌ها

این گزارش در ادامه آورده است که محمدمصدق بنادیده گرفتن جایگاه بریتانیا در بهره‌برداری و بازار نفت جهان، توانست صنعت

نفست ایران را ملی کند. اما انگلیس و آمریکا این موضوع را تاب نیاوردند و اقدام به سرکوبی دولت او کردند و بعد از آن هم درصد برآمدند تا توده‌های مردم ایران را تحت کنترل خود درآورند.

آمریکا به دنبال غنائم جنگ عراق - ایران

بعد از انقلاب اسلامی ایران و به راه انداختن جنگ تحمیلی علیه ایران توسط صدام حسین، آمریکا به حمایت از عراق پرداخت تا بتواند از غنائم جنگی به خصوص نفت ایران بهره برد. آمریکا حتی از تصمیم صدام مبنی بر استفاده از سلاح شیمیایی علیه ایران حمایت کرد.

دو عامل اختلاف

تسخیر سفارت آمریکا در ابتدای انقلاب به‌سلبه دانشجویان خط امام (ره) نقطه عطفی در تاریخ دشمنی آمریکا با ایران تلقی می‌شود. اکنون نزدیک به ۳۸ سال است که روابط دو کشور قطع شده، هرچند در این زمان هم روابط دو کشور فراز و فرودهایی داشته است. از منظر برخی کارشناسان داخلی، دو علت کلی برای تیرگی روابط میان دو کشور ایران و آمریکا وجود دارد. برخی از علل تاریخی نام می‌برند و دسته‌ای هم علل ایدئولوژیک را دلیل اصلی تیرگی روابط میان دو کشور می‌دانند. هرچند گروهی از کارشناسان نیز هستند که دلیل اختلاف‌ها را در عوامل فرهنگی جست‌وجوی کنند.

بی‌اعتبار شدن آمریکا

عباس سلیمی نمین، از صاحب‌نظران مسائل بین‌الملل که دلیل اختلاف میان ایران و آمریکا را عوامل تاریخی می‌داند، در یک مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید: «با مطالعه تاریخ و بررسی روابط آمریکا با سایر کشورها درمی‌یابیم زمانی که آمریکا وارد عرصه سلطه‌گری نشده بود، در کشور ایران اعتبار خوبی داشت. اما زمانی که در عرصه سیاست داخلی ایران دخالت کرد، همان‌گویی استعماری روسیه و انگلیس را در قبال ایران به کار برد. آمریکا حتی تلاش کرد عقب‌ماندگی‌اش در عرصه استعمار ایران را شتاب بخشد و همین موضوع سبب شد که وجهه این کشور در داخل لطمه ببیند. این کشور بعد از مداخله در کودتای ۲۸ مرداد وجهه‌ای ضدملی نزد ایرانیان پیدا کرد.»

وی می‌افزاید: «در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی تمام جنایات در ایران توسط آمریکا صورت پذیرفت. آنها از همان ابتدا نیز هرگونه تلاشی کردند تا نظام ایران را سرنگون کنند. در مورد تسخیر سفارت آمریکا نیز باید گفت آمریکایی‌ها به دنبال فتنه‌گری و تجزیه‌طلبی در کردستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان و آذربایجان بودند. یکی از دلایل دشمنی آمریکا با ایران این است که کشور مابرای آمریکایی‌ها یک بهشت بود و بعد از انقلاب این بهشت از آنها بازپس گرفته شد.»

شکل‌گیری جریانی نمریکاستیز

صادق زینیا کلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در زمره کسانی است که ریشه‌اختلاف میان آمریکا و ایران را در زمینه مسائل ایدئولوژیک جست‌وجوی کند و می‌گوید: «اختلاف‌های ایدئولوژیک سبب شد بعد از انقلاب اسلامی ایران یکی جریان نیرومند آمریکاستیزی در کشور به راه بیفتد. این جریان در ابتدا چون آمریکا را دشمن انقلاب می‌دید، اقدام به اشغال سفارت این کشور کرد.»

استمرار سیاست‌های غلط

فؤاد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکامعتقد است که با بررسی روابط ایران و آمریکا درمی‌یابیم که سیاست‌های دولت آمریکا از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به بعد بر ضرر ایران بوده است. آمریکایی‌ها بعد

از انقلاب اسلامی نیز دست از سیاست غلط خود نسبت به ایران برنداشتند.

این کارشناس مسائل آمریکا تأکید می‌کند که در آمریکا «سایرس ونس»، وزیر امور خارجه آمریکا بی‌علاقه نبود که رابطه با ایران را اصلاح کند. اما برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا حتی بعد از انقلاب نیز بعد از جنگ تحمیلی هشت ساله عراق با ایران نباید صورت پذیرد. بعد از جنگ تحمیلی هشت ساله عراق با ایران نیز آمریکا سیاست‌های مهاد دوگانه و تحریم را ادامه داد. بر همین اساس هم آنها با دریغ کردن دارو از مردم ایران زمینه تلف شدن بسیاری از افراد را فراهم کردند که حتی امار درستی از آن موجود نیست.

مبارزه علیه دولت آمریکا

سایت مقام معظم رهبری با توجه به بیانات ایشان در مورد مبارزه ملت ایران با آمریکا در گزارشی به نقل از ایشان نوشته است که مبارزه مردم ایران با آمریکا مبارزه با دولت استکباری این کشور است و نه مبارزه با ملت این کشور؛ چون دولت این کشور شیوه استکباری دارد. آنها متکبر و مستکبر هستند، آنچه که مقابل نظام اسلامی قرار دارد، استکبار است.

زنده بودن خوی استکباری

با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی آنچه که باعث چالش و درگیری نظام اسلامی با دولت آمریکا شده، به دلیل وجود همین «روحیه استکباری» در دولتمردان آمریکایی بوده است و چون طی این سال‌ها این روحیه استکباری تغییری نکرده، مبارزه با آنها نیز ادامه پیدا کرده است.

تولد واژه استکبار

تأیید از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تنها ایدئولوژی معارض با جریان مسلط لیبرال سرمایه‌داری تفکر چپ مارکسیسم بود. اما ایده مارکسیسم به دلیل قوی نبودن مبانی به‌بیراهه رفت. با پیروزی انقلاب اسلامی کلیدواژه جدیدی براساس آموزه‌های قرآنی با عنوان «استکبار» متبلور شد. حضرت آیت‌... خامنه‌ای در خصوص واژه استکبار می‌فرمایند: «استکبار یک واژه قرآنی است که در قرآن درباره امثال فرعون و گروه‌های بدخواه معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ راس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده آمریکا است.»

آمریکا در راس استکبار

در دنیای امروز، آمریکا در راس استکبار قرار گرفته است. این موضوع به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم که نظم ناعادالانه و غیرانسانی بر دنیا حاکم شد، باعث شد که دولت آمریکا پیشتاز استعمار نو ظلم به ملت‌ها شود و براساس خوی استکباری بخواهد اراده‌اش را به ملت‌هایی همچون ایران تحمیل کند.

۵ ویژگی مشترک مستکبران

براساس جمع‌آوری نظرات مقام معظم رهبری پیرامون خوی استکباری آمریکا در قبال دیگر ملت‌ها چند خصیصه مهم‌ترین صفاتی هستند که این کشور را به بزرگ‌ترین مستکبر دنیا مبدل کرده است، که شامل: خودبزرگ‌بینی، حق‌ناپذیری، مجاز شمردن جنایت علیه بشریت و فریبکاری و رفتار منافقانه علیه دیگر ملت‌ها است.

لزوم تشکیل اجماع علیه آمریکا

فؤاد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکامی‌گوید آمریکا کشوری است که بارها توسط ایران آزمون شده است. در بسیاری مقاطع به این کشور امتیاز دادیم، اما آنها سوءاستفاده کرده و نشان دادند که قابل اعتماد نیستند، بنابراین برای مقابله با سیاست‌های آنها باید تلاش کرد تا در قدم اول داخل کشور به یک اجماع برسیم. در قدم دوم باید به این برسیم که آمریکا با ما چه کرده است.

